ویژه‌نامه علاج نشریه ایما وابسته به بسیج دانشجویی دانشگاه الزهرا با همکاری خبرگزاری دانشجو | تیر ۱۴۰۱ شماره اول

مدیر مسئول: الهه سادات قاسمی سردبیر: اسما آزادیان نویسندگان: حوریه غفاری، مینا فقیهی، فاطمه هراتی نیک، زهرا وفاداران

طراح لوگو: مهتاب مهوری طراح گرافیک و صفحه آرا: فاطمه زارع بیدگ

علاج

اشتغال ،مهم ترین مسئله ازدواج

دکتر مریم صفاران:

ما باید برنامه‌هایی را در نظر بگیریم که جوانان ما قدرت اشتغال‌زایی داشته باشند

حوزه جوانان و ازدواج درحوزه عمل و نه شعار

دکترعلیرضا لاور:

دولت بعدی باید حوزه جوانان و ازدواج را در حوزه عمل و نه شعار باید دراولویت جدی قرار دهد

ازدواج

مهدی فرد حسینی:

مسکن جزء اولویت‌های برنامه‌ای مهم هر دولتی است

مردم باید بدانند مسکن حق آن‌ها در قانون اساسی است.

مسئله اصلی زمین است

فرهاد بیضایی:

ریشه‌ی اساسی مشکل گرانی در حوزه مسکن عدم تامین زمین توسط دولت‌هاست

اقتصاد نیازمند سیاست‌گذاری است نه قانون‌گذاری

ارز

دکتر حجت‌الله فرزانی

ما توجهی به بخش تولید نداشتیم در حالی که علاج مشکلات آنجاست.

افزایش تولید داخلی کاهش تورم

دکتر مریم ابراهیمی:

سرمایه ما باید در بازار تولید سرازیر شود.

مسکن

سید مجتبی حسینی:

قطع واردات اجداد باعث کاهش جوجه‌ریزی شد و به همین علت به مرور زمان میزان جوجه ورودی به بازار کم شد

احمد ناجی زواره:

ما مشکل تامین ارز نداریم مشکل مدیریت داریم. من تضمین می‌کنم که ما قادر به تامین ارز هستیم.

محمدجواد مویدیان:

وظیفه حکومت اسلامی برقرار کردن عدالت و توزیع مناسب بین افراد است

سید حسین رضوی پور:

مسئله ما مرغ‌ها نیستند. مسئله ما آدم هایی هستند که صلاحیت و شایستگی تصمیم‌گیری ندارند و سیاست‌گذاری‌های معیوب دارند.

بازار مرغ

نشست اول

مسکن

در این نشست با حضور آقایان فردحسینی و بیضایی به بررسی مشکلات حوزه مسکن و راهکارهای آن پرداختیم.

مهدی فرد حسینی

مسکن یکی از سه نیاز حیاتی بشر است که نبود آن زندگی طبیعی افراد را دچار مشکل می‌کند. از طرفی گرانی مسکن بر روی قیمت سایر کالاها هم اثر می‌گذارد. رکود و عدم دستیابی به مسکن حتی مشکل ازدواج جوانان را تشدید می‌کند. به همین علت مسکن جزء اولویت‌های برنامه‌ای مهم هر دولتی است. بیش‌ترین هزینه در اقتصاد ایران به قیمت زمین اختصاص پیدا می‌کند. یکی از مشکلات ماگره خوردن زمین به تحریم‌هاست. سوال این است زمین چه ربطی به تحریم دارد؟ مسکن کالای وارداتی نیست که به علت وجود تحریم وارداتش دچار مشکل شود. تکنولوژی ساخت مسکن تقریبا داخلی است. پس مشکل مسکن از سیاست‌های داخلی شکل می‌گیرد. علل گرانی مسکن بالا بودن قیمت زمین، عدم عرضه مناسب و تقاضای غیرمصرفی در این حوزه است. برای کاهش قیمت باید عرضه مسکن افزایش پیدا کند و به تقاضای کاذب رسیدگی شود.

فرهاد بیضایی

مسئله اصلی زمین است. عرضه زمین در دو سوم تاریخ جمهوری اسلامی غصب شده است و در این قضیه فرقی بین دولت‌ها نیست. نه فقط در بحث مسکن در هر کار تولیدی و کشاورزی زمین حرف اول را می‌زند. امام(ره) در پیام خود برای افتتاح حساب ۱۰۰ در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ گفتند: زمین باید به صورت رایگان برای ساخت مسکن در اختیار مردم قرار بگیرد. ریشه‌ی اساسی مشکل گرانی در حوزه مسکن عدم تامین زمین توسط دولت‌هاست. اقتصاد نیازمند سیاست گذاری است نه قانون‌گذاری. من مخالف تاثیر تحریم نیستم اما اثرش بر روی یک سوم مسائل است. ما اگر برای مسکن تسهیلات بدهیم باز هم بخش اعظم آن صرف زمین می‌شود. حتی اختصاص منابع در زمین مسکن منجر به رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی نمی‌شود. باید هزینه زمین را کاهش دهیم. مسئله بعد دلالی و سوداگری است که با ابزار مالیاتی قابل کنترل است.

مهدی فرد حسینی

در حوزه سوداگری و دلالی مسکن قانون کم داریم. مالیات های تنظیمی مثل مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات بر ارزش زمین نیاز داریم و جای این قوانین به شدت خالی است. مالیات بر خانه‌های خالی بیش‌تر برای اجاره است و اگر قیمت زمین را کاهش دهیم وضعیت مطلوب می‌شود. از نظر من مشکل زمین برای قبل از جمهوری اسلامی است. باید با وضع مالیات‌های تنظیمی تقاضای سرمایه‌ای را از حوزه‌ی مسکن خارج کنیم. این کار شدنی است و نیاز به اراده مسئولان و مطالبه مردم دارد. مردم باید بدانند مسکن حق آن‌ها در قانون اساسی است. از نامزدهای انتخابات آینده بپرسید برای مسکن چه طرح و برنامه‌ای دارند. از دولت بعدی مطالبه کنید که لوایحی را برای مالیات تنظیمی ارائه کنند و عرضه زمین را افزایش دهند.

فرهاد بیضایی

از نظر من دولت‌ها با مسئله کاهش قیمت مسکن تعارض منافع دارند. وزرا و مسئولان نباید در حوزه‌ی کاری‌شان ذی نفع باشند. از طرفی بخش اعظم دارایی بانک‌ها به حوزه زمین و مسکن برمی‌گردد که خلاف قانون است. همین تعارض منافع باعث عدم سیاست‌گذاری مناسب در حوزه مسکن و زمین می شود.

تحلیل

مسکن، بازارِ بدون تنظیم

در سال های اخیر افزایش قیمت اجاره بها و خرید مسکن بسیاری از ما را دچار مشکلات عدیده کرده است. از جوانان در شرف ازدواج تا کسانی که پس از سال ها تلاش و پس انداز هنوز اجاره نشینند.

از اینکه هیچ نهادی وظیفه ی تنظیم بازار مسکن را بر عهده ندارد که بگذریم، اینکه بانک ها با هلدینگ های انبوه سازشان و فروش گران تر واحدهای ساخته شده نسبت به بخش خصوصی، بازار را بر هم می زنند، نمی توان گذشت. سهم بالای زمین در قیمت مسکن هم یکی از مشکلات موجود بر سر راه کاهش قیمت است. این سوال که چرا میزان ساخت و ساز با تقاضا در مناطق مختلف کلان شهر ها تناسب ندارد هم سوالی است که تا الان پاسخی نداشته. خانه هایی با قیمت های نجومی که یا به دید سرمایه به آن ها نگاه می شود و یا به دلیل قیمت بالا مدت ها بدون ساکن هستند. شاید قانون مالیات بر خانه های خالی بتواند راه حلی برای این مسئله باشد ولی هنوز هم اصل مسئله باقی می ماند و برای مثال باغ های بسیاری برای سود بیشتر در مناطق شمالی تهران از تخریب می شوند.

طبق آخرین گزارش بانک مرکزی از بازار مسکن در فروردین ۱۴۰۰ فقط در شهر تهران، امسال متوسط قیمت یک متر مربع مسکن ۲۹ میلیون و ۳۲۰ هزار تومان بوده است که نسبت به ماه قبل ۳/۱ درصد کاهش و معادل ۹۱/۷ درصد افزایش را نسبت به سال قبل از آن نشان می‌دهد! آماری نگران کننده که نشان می دهد بازار مسکن تقریبا رها شده و سیاستگذاران این بخش در خواب غفلتند و حداکثر تلاششان به منتشر نکردن آمار قیمت مسکن و گفتن اینکه مردم فعلا خانه نخرند در تابستان سال گذشته ختم شد!

حوریه غفاری

مشکلات مسکن از کجا آب میخورند

از دیرباز تأمین مسکن جزء دغدغه‌های اصلی خانواده ها بوده و هست. براساس آمار از سال ۸۵ تا ۹۵، درصد خانوارهای مستأجر از ۲۰ به ۳۰ درصد رسید و طبق اعلام مجید کیانپور عضو کمیسیون عمرانی مجلس در اردیبهشت ۹۹ حدود ۳۷ درصد خانوارهای ایرانی مستاجرند که نسبت به آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۹۵ تقریبا ۷ درصد افزایش داشته است.

اولین مشکل بازار مسکن شاید قیمت زمین باشد. ما از نظر زمین دچار کمبود نیستیم. املاک کلنگی داخل شهرها که نیاز به ساخت و ساز مجدد دارند و زمین های مناسب برای شهرک و یا شهرسازی (مثل آنچه در پردیس و هشتگرد تهران اتفاق افتاد) در حاشیه شهرهای بزرگ که اغلب درگیر مشکلات حاشیه‌نشینی هستند.

دوم نگاه سرمایه ای به مسکن است. مشکلی که فقط ایران با آن درگیر نیست اما برخی کشورها برای آن راهحل پیدا کرده اند. برخی کشورها با تصویب قوانینی به مستأجران اجازه داده‌اند که پس از امضای قرارداد، تا هر زمانی که دلشان می‌خواهد در آن خانه بماند و سالانه اجاره‌بها را به اندازه معین و کمی که در قانون مشخص شده است، اضافه کنند و اگر در فاصله‌ای که خانه در اختیار مستاجر است، قیمت مسکن و اجاره‌بها به هر دلیلی افزایش داشته باشد، صاحب‌خانه نمی تواند اجاره را از مقدار مشخص شده بیشتر کند. در چنین شرایطی صاحب خانه ممکن است برا ی رسیدن به پول بیشتر بخواهد خانه را بفروشد، قانون مذکور این را هم پیش‌بینی کرده و صاحب‌خانه ابتدا باید خانه را به مستأجر بفروشد و اگر او مایل به خرید نباشد، صاحب‌خانه اجازه دارد خانه را به کس دیگری بفروشد. نتیجه ی چنین قوانینی به صرفه نبودن درآمدزایی از طریق اجاره دادن مسکن می شود و مسکن را از کالای سرمایه ای به مصرفی تبدیل می کند.

سومی هم مصالح ساختمانی است. که نه برای نیروی کار و نه برای مواد اولیه با مشکلی در آن مواجه نیستیم. تنها همت مدیران را برای افزایش تولید می خواهیم تا این مسئله هم حل شود.

همه جای دنیا با مشکلات دست و پنجه نرم می کنند اما اگر مسئولان گوش شنوا برای نظرات کارشناسان داشته باشند احتمالا راه حل مسائل را پیدا می‌کنند و اگر از تجربیات گذشته خودمان هم استفاده کنیم چیز بدی نیست، نمی توان گفت یک طرح یا قانون قبل از اجرایی شدن بدون اشکال است اما کافی است ایرادهای آن را پس از اجرا پیدا کرده و تصحیح کنیم. نه اینکه به کل آن را کنار بگذاریم و مزخرفشان بدانیم. هم‌چنین از طرح ها و قوانین خوب سایر کشورها ایده گرفته، آن‌ها را بومی سازی کرده و استفاده کنیم. بومی سازی از آن جهت که دوباره ساخت خانه با متراژهای عجیب یا متفاوت و حتی در تعارض با فرهنگ کشورمان پیشنهاد نشود.

حوریه غفاری

نشست دوم

بازار مرغ

بخش اول

در این نشست با حضور آقایان حسینی، ناجی، مویدیان و رضوی‌پور به بررسی مشکلات حوزه گرانی مرغ و راهکارهای آن پرداختیم.

سید مجتبی حسینی:

از یکسال و نیم قبل، قطع واردات اجداد باعث کاهش جوجه‌ریزی شد و به همین علت به مرور زمان میزان جوجه ورودی به بازار کم شد. کاهش مقدار و تعداد جوجه، عواملی دارد؛ ۱-عدم ورود به وقت اجداد و تولید نشدن مادر و نداشتن جوجه گوشتی در بازار، ۲-فروش جوجه در افغانستان و کردستان عراق، به قیمت ۱۲۰۰۰ تومان و افزایش صادرات بی‌رویه و قاچاق تخم مرغ به عنوان تخم مرغ خوراکی، ۳-حذف مرغ مادر و در چاه ریخته شدن جوجه در حدود یکسال قبل به علت کاهش قیمت جوجه.

احمد ناجی زواره:

گران بودن گوشت مرغ، یک حرف غیر کارشناسی است. زیرا در اسفند ۹۸ گوشت مرغ ۱۳ تا ۱۴ هزار تومان بود. پس می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر قیمت ۲۵ هزار تومان اصلا گران نیست. زیرا در همین دامنه زمانی حبوبات و محصولات دیگر بالای ۲/۲ برابر افزایش یافته‌اند. از طرفی زنجیره‌های تلفیق به خوبی شکل نگرفته است و مشکلات امروز حداقل از ۷ماه پیش شکل گرفته است. مقصر اصلی تشکل‌های صنفی است. زیرا ۱۰ سال است که توافق ندارند و نتوانسته اند هنوز کار را از دولت بگیرند. در تمام دنیا کار در دست بخش خصوصی است و نه دولت.

محمدجواد مویدیان:

قیمت‌گذاری دستوری مرغ اشتباه است. بازار محصولات کشاورزی در سراسر دنیا یک بازار رقابتی است و حتی محصولات اساسی مثل گندم، جو، نهاده‌های دام (ذرت، سویا و...) در بورس‌های کالایی عرضه می‌شوند و بازارهای آتی دارند. البته دولت باید از کشاورزی حمایت کند. مرداد ۹۸ قانون تمرکز وظایف و اختیارات بخش کشاورزی وزارت جهادکشاورزی، توسط تصمیم شورای سران سه قوه به درخواست ریاست جمهوری نقض شد. شاهد این بودیم که وظایف تولیدی به وزارت کشاورزی و وظایف تنظیم بازار و تجاری به وزارت صمت داده شد و باعث تشدید نابسامانی‌ها در بازار شد و شاهد عدم پاسخگویی و فرافکنی و درگیری بین هر دو بخش بودیم.

سید حسین رضوی پور:

رویکرد دولت در تخصیص ارز دولتی به کالاهای اساسی وتعیین شده و رها کردن سایر کالاها در بازار آزاد، که بارها آزموده شده ونتیجه مطلوبی نداشته و کارشناسان بارها به نرخ ارز شناور مدیریت شده اشاره کرده‌اند، رویکر خوبی نبوده است. وقتی قیمت عموم کالاها بالا رفت، افزایش قیمت کالاهای اساسی مثل مرغ و... قابل پیش بینی بود. شکاف بین انتظارات تورمی و قیمت کارشناسی (قیمت تمام شده تولید) یک رانت ایجاد می‌کند و دعوا سر این رانت است که در جاهای مختلف بروز می‌کند و هر ابزاری برای بستن این رانت‌ها یک تبعاتی دارد. سیاست گذاری در ایران تبدیل شده است به ایجاد رانت و توزیع رانت که به یک عده‌ای اجازه استفاده از این رانت داده می‌شود و به یک سری اجازه داده نمی‌شود. اگر در لیبرال‌ترین کشورها می‌بینیم که در تولید محصولات غذایی مداخله می‌کنند، سیاست‌هایشان در راستای حمایت از تولید است و این است که می‌تواند قیمت کالا را کاهش بدهد و آن را در دسترس‌تر برای مردم فراهم کند، اما عمده سیاست‌گذاری‌های ما به ویژه در این چند سال ضد تولیدی بوده است.

تمام وظیفه دولت این است که حمایت را به حلقه آخر و مالیات را به حلقه اول ببرد. یعنی همان سوبسیدی که در کالاهای اساسی توزیع می‌شود و به دست مردم نمی‌رسد به عنوان مثال، کارت خرید مرغ، اختصاص پیدا کند به این که به قیمت روز تعادلی بازار، مرغ خریداری بشود و برای سرپرست خانوار واریز بشود. این رویکر خیلی بهتر از این است که وارد چرخه تولید بشود و روی نهاده‌های دامی بیاید. اصلا نباید قیمت تعیین شود. زیرا هر قیمت تعیین کردنی، ایجاد رانتی است بین قیمت تعیین شده و قیمت تعادلی بازار. دوره حکمرانی با طرز تفکرهای سنتی وکهنه گذشته است. به جای قیمت گذاری باید سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تولید کرد. ما باید از مزیت ارز گران و نیروی کار ارزان استفاده کنیم. ایران می‌تواند تأمین کننده مرغ مورد نیاز منطقه باشد. ولی سیاست‌گذاری های توزیع رانتی و نه حامی تولید، مانع این کار شده است. ما نمی‌توانیم هزینه مبادلاتی را در کشور حذف کنیم اما اکنون مشکل تقصیر دلال نیست چون دلال بیش‌تر از قبل نمی‌خورد. ما اگر درست سیاست‌گذاری کنیم می‌توانیم قطب تولید مرغ در جامعه باشیم.

بخش دوم

با توجه به اینکه وظیفه تولید و توزیع مرغ برعهده جهاد کشاورزی و توزیع برعهده وزارت صمت است، آیا این تقسیم بندی درست است؟

سید مجتبی حسینی

امروزه دچار یک سردرگمی هستیم و اصل قضیه گم شده است. ما با صنعت طیور مواجه هستیم و ورودی و خروجی مشخص است. سیستم فعلی ما غلط است. دلالی همیشه هست و گاهی حتی ارزشمنده اما در شرایط فعلی مردم تحت فشار هستند. با اختصاص سوبسید و یارانه ما گداپروری می‌کنیم. در هیچ جای دنیا به صنعت طیور سوبسید نمی‌دهند. بله به کشاورز و دامدار می‌دهند اما به مرغدار نمی‌دهند. الان نقاط کوری در صنعت طیور هست که باید حل شود و اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی هم راه‌حل نیست.

وی اذعان داشت: جوجه‌هایی که در سال پیش معدوم شد. جوجه تخم‌گذار بودند در واقع جوجه‌ها مادر بودند نه مرغ گوشتی. واحدهای تولیدی به علت ضرر روزانه مرغ مادر را حذف کردند که بر روی قیمت فعلی تاثیرگذار بوده است.

سید حسین رضوی پور

دانه بعد از تولید جوجه تخصیص می‌یابد. خیلی از مرغدارها بعد از تولید جوجه و گرفتن سهم دان خود جوجه‌ها را معدوم کردند و سهم دانه خود را با قیمت بالاتر در بازار آزاد فروختند.

بخش سوم

آیا نهاده‌های دامی قابلیت تولید در ایران را دارند؟ آیا ارز تخصیص یافته پاسخگوی نیاز مرغدار هست و اگر هست چرا پروسه زمان‌بر است؟

سید مجتبی حسینی

اصول کار تولید نهاده در ایران بود. ما دو نوع دان داریم. یکی دان زراعی و دیگری دانی که الان استفاده می‌کنیم. اسید آمینه‌هایی که در این دان‌ها استفاده می‌شود قابلیت تولید در ایران را دارد. اما تکنولوژی آن در دست چند کشور محدود است.

احمد ناجی زواره

۷۱ درصد نزولات آسمانی ما یا هدر می‌رود یا بهترین خاک‌های زراعی ما را می‌شورد و از بین می‌برد. با مدیریت کشت دیم ما قادر به تولید هشت میلیون ذرت مورد نیاز داخلی و حتی بیشتر از آن هستیم. این طرح‌ها قبلا داده شده و ما با واگذاری به بخش خصوصی به خوبی قادر به تامین نهاده‌ها در داخل هستیم. درباره تخصیص ارز هم، میزان نیاز صنعت طیور ما دو و نیم میلیون دلار در سال است که در برابر ۲۶ میلیارد دلار هزینه صادرات محصولات غیر نفتی داریم چیزی نیست. **ما مشکل تامین ارز نداریم مشکل مدیریت داریم. من تضمین می‌کنم که ما قادر به تامین ارز هستیم.**

بخش چهارم

نقش دلالان و مافیای آن‌ها در افزایش قیمت مرغ چیست؟

محمد جواد مویدیان

دلال‌ها هم می‌توانند در بازار ایجاد نابسامانی بکنند، ولی نباید دستاویزی برای مسئولین بشوند که هر قصوری هست را به آن‌ها مربوط کنند. تفاوت دلال ها با سایر بازیگران در این است که یک بازیگر آزاد است و هوش تجاری بیشتری نسبت به سایرین دارد و بیشتر به دنبال سود شخصی خودش است. ما به عنوان مسئول باید زمین بازی را جوری بچینیم که دلال در راستای اهداف میان مدت و بلند مدت بازار حرکت کند. اما اگر تعادل بازار را بهم بزنیم، دلال از این آب گل آلود شده، بهترین ماهی‌ها را برای خودش می‌گیرد. متاسفانه ما در بحث نظارت در سطح کلان دچار مشکل هستیم.

بخش پنجم

نقش وزارت‌خانه‌ها و دولت بعدی در این مهم چیست؟

سید حسین رضوی پور

دو نوع نگاه متفاوت می‌توانیم به دولت بعد داشته باشیم. اول اینکه دولت بگوید که خودش تصدی‌گری می‌کند و مثلا شرکت بازرگانی می‌زند که واردات، فروش و یا تولید مرغ انجام دهد و بگوید دلالی را حذف می‌کنم. که بعضی از کاندیداهای احتمالی این را بیان کرده‌اند. دوم اینکه بیاید نرم‌افزار حکمرانی و سازوکارهای حاکم بر صنایع را ارتقا و بازآفرینی کند که این کار دشواری است و نیاز به مقابله با ذی‌نفعان وضعیت رانتی تا به امروز دارد. مهار کردن آن‌ها نیاز به آگاهی عمومی دارد و مردم بدانند که این اصلاح‌ها یک هزینه عمومی و اجتماعی دارد. باید قبول کنیم پیشرفت در هیچ کشوری اتفاقی به دست نیامده است. **مسئله ما مرغ‌ها نیستند. مسئله ما آدم‌هایی هستند که صلاحیت و شایستگی تصمیم‌گیری ندارند و سیاست‌گذاری‌های معیوب دارند.**

محمد جواد مویدیان

وظیفه حکومت اسلامی برقرار کردن عدالت و توزیع مناسب بین افراد است و این به معنای مداخله نیست، که به واسطه اعطای یارانه، اخذ مالیات و... انجام می‌گیرد. این وظیفه در میان‌مدت و بلندمدت می‌تواند با قاعده گذاری برای رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های برابر برای آحاد جامعه اتفاق بیفتد. در کوتاه‌مدت هم با اعطای یارانه و اخذ مالیات در سطوح مختلف قابل اجرا است و این مسئله گداپروری نیست، بلکه حق مردم است.

بخش کشاورزی ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل زیادی دارد که می‌تواند ما را به اقتصاد بدون نفت برساند. در صنعت طیور هم حذف ارز ۴۲۰۰ می‌تواند ما را به اقتصاد بدون نفت و اقتصاد بدون رانت نزدیک کند. راهکارها شامل مستقل کردن این صنعت از اقتصاد نفتی و مدیریت واحد زنجیره ارزش بخش کشاورزی است که در سال‌های ۹۲ تا ۹۷ تجربه‌اش کردیم و تا جایی که ممکن است تشتت مدیریتی نباید ایجاد کنیم.

مدیریت درست راه علاج بازار مرغ

دو نوع نگاه متفاوت می‌توانیم به دولت بعد داشته باشیم. اول اینکه دولت بگوید که خودش تصدی‌گری می‌کند و مثلا شرکت بازرگانی می‌زند که واردات، فروش و یا تولید مرغ انجام دهد و بگوید دلالی را حذف می‌کنم. که بعضی از کاندیداهای احتمالی این را بیان کرده‌اند. دوم اینکه بیاید نرم‌افزار حکمرانی و سازوکارهای حاکم بر صنایع را ارتقا و بازآفرینی کند که این کار دشواری است و نیاز به مقابله با ذی‌نفعان وضعیت رانتی تا به امروز دارد. مهار کردن آن‌ها نیاز به آگاهی عمومی دارد و مردم بدانند که این اصلاح‌ها یک هزینه عمومی و اجتماعی دارد. باید قبول کنیم پیشرفت در هیچ کشوری اتفاقی به دست نیامده است. مسئله ما مرغ‌ها نیستند. مسئله ما آدم‌هایی هستند که صلاحیت و شایستگی تصمیم‌گیری ندارند و سیاست‌گذاری های معیوب دارند.

از مدیریت بازار هم بخواهیم بگوییم اول باید سراغ قانون گذاری و اجرای قانون برویم، اصلا کنار گذاشتن دولت از قیمت‌گذاری و این قسم دخالت ها را هم که در نظر نگیریم؛ یکی از مشکلات نبود یک دستگاه واحد برای به دست گرفتن مدیریت این کالای اساسی است. بخشی از نظارت‌ها را جهاد کشاورزی و بخشی را وزارت صمت برعهده دارد. به همین علت در مواردی ما شاهد ناهماهنگی‌های عجیب و پاسکاری مشکلات بین سازمان‌های مختلف هستیم. در آخر هم با یک تصمیم ضربتی مسئله را مقطعی حل می کنند. راه حل ساده است، یا کار را کاملا به اصناف واگذار کنیم یا حداقل کار را به وزارت جهاد بسپاریم نه مجموعه‌ای از وزارت‌خانه‌ها.

درباره ی انتظارات تورمی هم بخواهیم ساده بگوییم مردم مطمئن نیستند که قیمت پایین تر بیاید پس ترجیح می دهند به جای نخریدن آن کالا تا زمان کاهش قیمت، با همان قیمت موجود خرید کنند. پس برعکس همه جای دنیا در ایران تقاضا بیشتر و بازار خالی می شود. اگر مردم این اطمینان را داشته باشند که قیمت پایین می آید و بازار متعادل می‌شود، این مسئله هم حل می شود.

در آخر هم به قول معروف فقط مرگ است که چاره ندارد؛ کار کارشناسی، برنامه‌ریزی درست، اعتماد به توان داخل و مدیریت کارآمد برای حل تمام مشکلات کشور کافی است.

حوریه غفاری

تحلیل

تیر خلاص بی‌تدبیری، کالای اساسی در ایستگاه آخر

وظیفه حکومت اسلامی برقرار کردن عدالت و توزیع مناسب بین افراد است و این به معنای مداخله نیست، که به واسطه اعطای یارانه، اخذ مالیات و... انجام می‌گیرد. این وظیفه در میان‌مدت و بلندمدت می‌تواند با قاعده گذاری برای رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های برابر برای آحاد جامعه اتفاق بیفتد. در کوتاه‌مدت هم با اعطای یارانه و اخذ مالیات در سطوح مختلف قابل اجرا است و این مسئله گداپروری نیست، بلکه حق مردم است.

بخش کشاورزی ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل زیادی دارد که می‌تواند ما را به اقتصاد بدون نفت برساند. در صنعت طیور هم حذف ارز ۴۲۰۰ می‌تواند ما را به اقتصاد بدون نفت و اقتصاد بدون رانت نزدیک کند. راهکارها شامل مستقل کردن این صنعت از اقتصاد نفتی و مدیریت واحد زنجیره ارزش بخش کشاورزی است که در سال‌های ۹۲ تا ۹۷ تجربه‌اش کردیم و تا جایی که ممکن است تشتت مدیریتی نباید ایجاد کنیم.

طبق معادله عرضه و تقاضا زمانی که عرضه به اندازه کافی نباشد قیمت افزایش پیدا می‌کند. پس در این موضوع باید چنین اتفاقی افتاده باشد که مرغداران هم همین نظر را دارند. اما مسئولان وزارت جهاد کشاورزی می‌گویند عرضه به اندازه کافی بوده و وزارت صمت که مسئول تنظیم بازار است خلاف این را می‌گوید. هیچ کدام از سازمان‌ها توضیح شفافی درباره این موضوع ندادند. این تشتّت مدیریتی به لغو قانون تمرکز وظایف و اختیارات بخش کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی برمی‌گردد که توسط شورای سران سه قوه به درخواست دولت بود. در صورتی که از سال ۹۲ تا ۹۸ اجرای این طرح برکات زیادی داشت. از زبان مرغداران و کارشناسان می‌شنویم که علت افزایش قیمت به دستوری بودن قیمت‌ها برمی‌گردد که کمتر از قیمت تمام شده است و این انگیزه را از تولیدکننده می‌گیرد. همیشه مرغ با قیمت بالاتر به دست مصرف‌کننده می‌رسد و اختصاص ارز تومانی۴۲۰۰ خود عاملی برای افزایش قیمت‌ها است. به گفته کارشناسان قیمت مرغ مانند دیگر اقلام اقتصادی باید براساس عرضه و تقاضا مشخص و کار به بخش خصوصی سپرده شود تا آن‌ها با توجه بع قیمت تمام شده برای تولید بازار را تنظیم کنند و دولت فقط نقش حمایتی داشته باشد.

هنوز پس از گذشت ۵ الی ۶ ماه قیمت کاهش پیدا نکرده و مصرف کننده مجبور است در صف‌های طولانی مرغ بایستد. عزت خود را خدشه‌دار کند و سلامتی‌اش را با وجود ویروس کرونا به خطر بیندازد تا مرغ با قیمت دولتی به دستش برسد.

بهتر است بگوییم دولت هیچ تدبیری نکرده، برنامه‌ای برای این کالای اساسی ندارد و با وجود داشتن راهکار و قدرت اجرایی تدبیر! را برای بالا رفتن قیمت کرده است.

مینا فقیهی

ازدواج

نشست چهارم

در این نشست با حضور آقای دکتر علی‌رضا لاور و سرکارخانم دکتر مریم صفاران به بررسی موانع اقتصادی ازدواج و راهکارهای آن پرداختیم.

بخش اول

موانع اولیه و پراهمیت در ازدواج در زمان فعلی چه مسائلی است؟

دکتر مریم صفاران

به مسئله ازدواج جوانان نمی‌توان نگاه تک‌بعدی داشت و تأخیر در ازدواج جوانان را به خاطر صرف مسکن یا مسائل اقتصادی نمی‌توان دانست. اما می‌توان گفت که **مهم‌ترین مسئله در این امر، موضوع اشتغال است** که یک جوان با داشتن اشتغال، دارای عزت نفس و اعتماد به نفس زیادی خواهد شد که می‌تواند یک درآمد پایدار داشته باشد. بعد از مسئله اشتغال، موضوع آن حمایت‌هایی است که باید برای قشر جوان در نظر گرفته شود. یک جوان برای ورود به زندگی مشترک در ابتدا نیاز به آموزش دارد. باید در سطح رسانه ملی یا فضای مجازی، آموزش به مرحله بلوغ رسیدن و همین‌طور به مرحله ازدواج رسیدن را داشته باشیم. وضعیت به گونه‌ای شده است که جوانان برای ازدواج، اراده دارند ولی شرایط برای حل این مسئله را ندارند و این مسئله به تهران هم معطوف نمی‌شود. برای یک ازدواج پایدار به یک زیرساخت‌های اساسی نیاز داریم و اقتصاد حرف اول را برای ازدواج مشروع خواهد زد. میزان بیکاری، فقر، نیازها و میزان رضایت از زندگی مشترک همه جزء اقتصاد محسوب می‌شود. میزان آرامش روانی هر انسانی برای تشکیل یک زندگی پایدار، به اقتصاد باز خواهد گشت.

دکتر علیرضا لاور

از نظر بنده **مانع اول برای مسئله ازدواج، موضوعات اقتصادی مانند اشتغال نیست.** پیش‌فرض ما این است که سن ازدواج برای جوانان حدود ۲۲ تا ۲۴ سال است. ازدواج پنج مرحله رشدی دارد که در هیچ‌کدام شاخص اقتصادی وجود ندارد که این پنج مرحله شامل رشد عقلی، اجتماعی، مدیریتی، ارتباطات و توانمندی‌های فردی است که عملاً می‌تواند برای یک جوان در ۱۵ سالگی نیز اتفاق بیفتد. حالا ما به این جوان می‌گوییم درست است که تو به این مراحل رسیدی اما صبر کن تا وقتی خانه و شغل داشتی بعد درباره ازدواج صحبت کن. کسانی هستند که شغل دارند و مشکل اقتصادی ندارند اما ازدواج نمی‌کنند. علی رغم این که مشکلات اقتصادی موانعی ایجاد می‌کنند من معتقدم در اولویت نیستند.

بخش دوم

قانون تسهیل ازدواج جوانان تا چه میزان اجرایی شد و دارای چه مشکلاتی از لایه کلان تا اجرای آن بود؟

دکتر مریم صفاران

در ماده یک قانون گفته شده به منظور تسهیل ازدواج جوانان دولت لایحه داده و خودش را مکلف کرده است به ایجاد صندوق اندوخته جوانان. در ماده دوم دولت گفته است که از محل صندوق وام ودیعه مسکن اختصاص دهد. من به این ماده اشکال وارد می‌کنم، زمانی که ما امنیت شغلی نداریم چطور می‌توانیم همه‌ی حمایت‌ها را به وام اشتغال و ودیعه مسکن موکول کنیم؟! **اگر قانون ۱۳ ماده‌ای تسهیل ازدواج جوانان، در همان سال ۸۴، به صورت کامل تدوین و اجرا می‌شد، شاید امروزه ما شاهد خیلی از این آسیب‌های اجتماعی نبودیم.**

دکتر علیرضا لاور

درحال حاضر چقدر مجموعه‌های دولتی ما توانایی ایجاد اشتغال پایدار دارند و آیا همه می‌توانند در بدو امر اشتغال پایداری داشته باشند؟ به عبارتی این نوع مواجهه با مسئله، نگاه درستی نیست. دولت چطور می تواند برای ۱۴میلیون مجرد در سن ازدواج شغل پایدار ایجاد کند؟ تا کی می‌توانیم این‌ها را منتظر حل مشکلات اقتصادی نگه داریم؟ ما با سه دسته مخاطب روبه‌رو هستیم. اول مخاطبینی که اشتغال و مسکن دارند، ولی ازدواج نمی‌کنند. دوم مخاطبینی که اشتغال ثابتی ندارند ولی وارد ازدواج می‌شوند و با مدیریت خود، مسئله را جلو می‌برند. سوم حتی مخاطبینی وجود داشتند که بدون داشتن اشتغال نیز ازدواج کرده و بعد از توانسته‌اند، اشتغال به دست آورده و زندگی خود را سر و سامان دهند. **مشکل اساسی قانون تسهیل ازدواج؛ عدم جرم‌انگاری این قانون بود.** برخی از مدیران و مسئولان ما، نه صرفاً بی‌مدیریتی دارند، بلکه مغرض و معاند هم هستند و از قصد بکسری کارها را انجام نمی‌دهند. وقتی قانونی اجرایی نمی‌شود و مسئولی به علت عدم اجرایی کردن قانون به کسی پاسخگو نیست. دیگر چه نامی می‌شود به این مسئول داد.

دکتر مریم صفاران

اکثر افرادی که طلاق می‌گیرند و بعضاً زندگی ناپایدار دارند، به خاطر مسائل اقتصادی و شغل ناپایدار و عدم تأمین هزینه است. به جای اینکه برای جوانان ما همه چیز را متصل به وام بکنیم، باید یکسری مزایا و سیاست های تشویقی و وام‌های بلاعوض در حوزه‌های مختلف صورت بگیرد. در قانون گفته شده است که باید دولت، بستر آموزش مهارت‌های لازم برای ازدواج را فراهم کند که به این مسئله نیز توجهی نشده است. این قانون نوشته شده اما کفایت‌کننده نیست. قانون باید حداقل ده سال ضمانت اجرایی داشته باشد. **ما باید برنامه هایی را در نظر بگیریم که جوانان ما قدرت اشتغال زایی داشته باشند** اما این اتفاق نیفتاده. همه چیز اقتصاد نیست اما اقتصاد و داشتن درآمد مهم است.

دکتر علیرضا لاور

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تعداد طلاق‌ها که اتفاق افتاده است، مربوط به زوجینی است که یکسال از زندگی مشترکشان گذشته و به خاطر **عدم انتخاب درست** و **شناخت ناکافی**، این اتفاق رقم خورده است و صرف مسائل اقتصادی مؤثر نبوده است. ما باید به سمت کاهش تجملات، هزینه‌های اضافی و مراسمات بیهوده برویم و به جای قوانین کوتاه مدت، سیاست‌های دراز مدت حمایتی از جوانان در حوزه مسکن، اشتغال و... گذاشته شود.

بخش سوم

در دولت آقای روحانی، چقدر به مسئله ازدواج و جوانان توجه شد و چه فعالیت‌هایی صورت گرفت؟

دکتر مریم صفاران

عملکرد دولت آقای روحانی، در راستای آن شعار اصلی خودشان که تدبیر و امید بوده است، به هیچ عنوان نبود. در این دوران کلا زندگی مردم و جوانان رها شده و به صرف مذاکرات گره خورده بود و کارهای سیاسی اولویت اول همه مسائل شده بود. زیرساخت‌هایی اجرا کردند اما کافی نبود.

دکتر علیرضا لاور

به نظر بنده فاجعه‌بارترین دولت، دولت آقای روحانی بوده است و می‌توانیم مدال سوءاستفاده گرترین دولت را از ظرفیت جوانان، به این دولت بدهیم. این دولت شعارهای زیادی ناظر آزادی جوانان داد ولی به هیچ‌کدام عمل نکرد. کم‌ترین میزان حمایت از این جوانان در این دولت است. سخت‌ترین قوانین برای اعطای وام ازدواج در دولت ایشان بود. سازوکارهای وزرات ورزش و جوانان، به سمت‌های دیگری جهت‌دهی شده است و در ساماندهی امور جوانان در استان‌ها، به شدت منفعلانه عمل شد و فعالیتی انجام نپذیرفت. مهم ترین نقد به این سیستم، تغییر اولویت حوزه جوانان به سمت ورزشگاه رفتن زنان یا کودک همسری و از این دست مسائل بود.

بخش چهارم

وام ازدواج که از سوی دولت و مجلس تعیین شده است، تا چه میزان پاسخگوی نیازهای جوانان است و آیا به شکل‌های دیگر، نمی توان حمایتی از جوانان صورت بگیرد؟

دکتر مریم صفاران

وام ازدواج زمانی جواب می‌دهد که قیمت‌ها هم کنترل شود. من به وام اعتقادی ندارم چون زندگی جوانان با دغدغه پرداخت وام شروع می‌شود و کیفیت پایینی دارد. بسته‌های حمایتی باید کوچک، بلاعوض و فارغ از تجمل باشد. از طرفی بحث آموزش و بیمه‌های درمانی هم مهم است که باید به آن توجه شود.

دکتر علیرضا لاور

متاسفانه ناکارآمدی سیستم بانکی باعث می‌شود که بانک‌ها کاملا سلیقه‌ای برای دادن این وام اقدام کنند که باید تصحیح شود. از طرفی دادن کمک‌ها و حمایت‌ها بلاعوض خود مستلزم تخصیص نقدینگی سنگین است که در توان دولت نیست. ما دنبال هدیه از دولت و مجلس نیستیم ما می‌گوییم شما همان مصوبات تسهیل را اجرا کن. قانون‌گذار مبنایش این است که که برای جوانان کم‌سن‌تری که امکانات و فرصت کمتری برای آن وجود دارد، تسهیلات در نظر می‌گیرد و برای سن‌های بالاتر، این امکانات کمتر وجود دارد چون فرصت بیش‌تری برای تامین هزینه‌های ازدواج داشته است.

بخش پنجم

دولت آینده نسبت به این موانع و مشکلات ازدواج و علاج آن‌ها چه اقداماتی را باید در نظر داشته باشد؟

دکتر مریم صفاران

دولت آینده باید با پژوهشگران و افرادی که در زمینه ازدواج، کار کرده‌اند، جلسات متعدد داشته باشد تا بتواند یک طرحی را مدون کند و در قانون هفتم توسعه، بودجه و قوانین دیگر آن گنجانده شده و برنامه‌ریزی‌های لازم در این جهت ریخته شود. اگر به غیر از این چیزی گفته شود، صرفاً شعاری خواهد بود.

دکتر علیرضا لاور

دولت بعدی باید حوزه جوانان و ازدواج را در حوزه عمل و نه شعار باید در اولویت جدی قرار دهد و مسائل مختلف فرهنگی و اقتصادی ازدواج را بشناسد و مسئله مسکن جوانان را در صدر مسائل خود قرار دهند و به صرف شعارهای هیجانی و الکی، جوانان را فریب ندهند.

تحلیل

زندگی نوپا و مشکلات عدیده

ازدواج یکی از نیازهای مهم انسان است. نیاز تشکیل خانواده نه یک نیاز فردی که یک واجب اجتماعی است. حیات هر جامعه به تشکیل خانواده و فرزندآوری وابسته است. اما در زمان کنونی کدام جوان است که با خیال آسوده به سمت امر عظیم و مهم ازدواج برود. سنگ‌هایی که در گذشته جلوی پای جوانان بود امروزه تبدیل به کوه شده است. باید یک نفر آستین بالا بزند و مشکلات را حل کند اما عملا می‌بینیم که مشکلات و موانع ازدواج کمتر نشده که هیچ، بیشتر هم شده است.

ازدواج به موقع، آسان و پایدار خواسته به حق مردم و جوانان از دولت‌های مختلف و هم‌چنین دولت یازدهم و دوازدهم بوده است. امنیت شغلی، مسکن و تأمین کالای اولیه برای شروع زندگی مهم‌ترین زمینه‌هایی است که باید مورد توجه دولت‌ها قرار بگیرد. عدم توجه به اجرایی شدن قانون تسهیل ازدواج جوانان، عدم ثبات اقتصادی و نوسانات قیمت ارز تاثیر منفی بر اقتصاد ازدواج گذشته است. با وجود افزایش میزان وام ازدواج ما شاهد توفیق زیادی در افزایش آمار ازدواج نیستیم. گویا مبلغ در نظر گرفته شده برای وام ازدواج به گرد پای افزایش قیمت مسکن و کالاها نمی‌رسد.

نقش مهم وزارت ورزش و جوانان در این حوزه بر کسی پوشیده نیست. اما متاسفانه ما با کم‌کاری مسئولان روبه‌رو هستیم. البته از منظر اجتماعی و فرهنگ‌سازی کارهایی مانند تاسیس مراکز مشاوره انجام شده است اما از منظر اقتصادی هیچ. ازدواج مسئله مهمی برای جامعه ما محسوب می‌شود. تاخیر در آن موجب پیامدهای منفی از جمله پیر شدن و کاهش جمعیت ایران و به خطر افتادن امنیت ملی در آینده است.

حالا که به فضای انتخابات نزدیک می‌شویم یکی از حوزه هایی که نامزدهای انتخاباتی باید برای تغییر اساسی در آن برنامه و نقشه راه داشته باشند ازدواج جوانان است. ما منتظر شنیدن برنامه‌های آن‌ها هستیم.

فاطمه هراتی نیک

تسهیل ازدواج جوانان رویای دست نیافتنی

۱۴ میلیون مجرد و ۲ میلیون مجردی قطعی شوخی نیست. مسئولان به خود بیایید. با امروز و فردا کردن‌های بی‌مورد با آینده جوانان این مملکت بازی نکنید. فرزندان خود را برای تحصیلات به کشورهای دیگر می‌فرستید و تابعیت جداگانه برایشان اختیار می کنید. در همین حال جوان در آستانه ازدواج باید فکر کند پول خرید یخچال و گاز را می‌تواند بدهد یا اجاره‌ی خانه را. قانون تسهیل ازدواج را تصویب کردید و جوانان را خوشحال. غافل از این که اگر جوانی به امید استفاده از قانون ازدواج کرده بود امروز دست کم فرزندی ده ساله داشت که در گوشش می‌خواند: فرزندم، حساب کن وام ازدواج صد میلیونی چطور حریف تورم ۳۶درصدی می‌شود؟

می‌گویید نمی‌توانیم به همه جوانان تسهیلات بدهیم. این حجم از نقدینگی در توان دولت نیست. قبول. نمی‌توانیم برای همه جوانان شغل ایجاد کنیم در توان دولت نیست. قبول. نمی‌توانیم به همه جوانان تسهیلات خرید لوازم خانه بدهیم. این هم قبول. می‌شود بفرمایید دقیقا چه کاری از شما برمی‌آید؟! برای این نسل جوان جویای کار در پی سرپناه چه کاری می‌توانید انجام دهید؟! اگر قانون تسهیل ازدواج جوانان را قانون درستی نمی‌دانید خب اصلاحش کنید. قانون بهتری را جایگزینش کنید. قبل از این که آمار طلاق از آمار ازدواج بالاتر برود کاری کنید.

کشور این همه زمین دارد و جوان باید در پی سقفی بدود. این همه منابع دارد و جوان باید در پی لقمه نانی بدود. این همه جوان داریم و داد سر می‌دهیم که از تولید بعضی محصولات در کشور ناتوانیم. دست مریزاد پس شما بفرمایید در خانه‌هایتان بنشینید ما جوانان هم سماق می‌مکیم.

زهرا وفاداران

نشست پنجم — ارز

در این نشست با حضو مریم ابراهیمی، دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی بانکداری بانک مرکزی و حجت‌الله فرزانی، دکترای حسابداری و کارشناس امور مالی و بانکی به بررسی گرانی ارز پرداختیم.

بخش اول

قانون تسهیل ازدواج جوانان تا چه میزان اجرایی شد و دارای چه مشکلاتی از لایه کلان تا اجرای آن بود؟

دکتر مریم ابراهیمی

موضوع نرخ ارز به خصوص در سال‌های اخیر موضوع جذاب و چالش برانگیزی بوده است. نرخ ارز مثل هر بازار دیگری، بازار عرضه و تقاضا دارد که قیمت آن را تعیین می‌کند. سوال این است که چه نیازی به ارز داریم؟ به نظرم حلقه مفقوده در اقتصاد ما تولید است. ترفندهایی برای قیمت ارز انجام شده مثل سامانه نیما. اما چالش‌ها هنوز وجود دارد.

دکترحجت‌الله فرزانی

براساس قانون پولی و بانکی کشور بحث معاملات ارزی برعهده بانک مرکزی گذاشته شده است. در دنیا بانک‌های مرکزی خارج از فضای سیاسی تصمیم‌گیری می‌کنند درباره مسائل ارزی اما در ایران فضای سیاسی و دولت‌ها بر سیاست‌گذاری‌های ارزی تاثیر می‌گذارد. عواملی که بر نرخ ارز تاثیر می‌گذارند: سیاست‌های مالی که از مرجع بانک مرکزی و وزارت اقتصاد عبور می‌کند و تراز تجاری ایران در واردات و صادرات. همه این‌ها اگر هماهنگ باشند ما می‌توانیم نرخ ارز را تعیین کنیم.

بخش دوم

توزیع ارز ۴۲۰۰ درست بود؟

دکتر مریم ابراهیمی

این ارز قرار بود به کالاهای اساسی و با هدف رفاه مصرف‌کننده تخصیص یابد. متاسفانه شاخص بهره‌وری در کشور پایین است. ما در آسیب‌شناسی دچار مشکل هستیم. از نظر من یارانه باید به مصرف‌کننده تعلق بگیرد زمانی که به واردکننده می‌دهیم این مشکلات پیش می‌آید. هدف تمام تصمیم‌گیری‌ها شفاف‌سازی است اما به درست اجرا نمی‌شود.

ما در کشورمنابع طبیعی و سرمایه انسانی داریم. اما هزینه تولید بالاست و کشاورز به سمت تولید داخلی نمی‌رود زمانی که هزینه واردات کم‌تر است. تولیدکننده هدفش بالا بردن سودش و مصرف‌کننده بالا بردن رفاهش اگر در شرایط فعلی این اتفاق بیفتد هیچ کدام وارد چهارچوب قانونی تعیین شده نمی‌شوند.

دکتر حجت‌الله فرزانی

تصمیم‌گیری در مورد ارز ۴۲۰۰ غیرکارشناسی بود و حتی کارشناسان بانک مرکزی نیز به آن اعتراض کردند. اولین اشتباه این بود که مصرف ارز را به تمامی مصارف ارزی اختصاص دادند و حجم عظیمی تقاضا صورت گرفت و بعد از آن حجم عظیمی ارز، از کنترل بانک مرکزی خارج شد و منجر به این شد که فکر کنند که ارز را محدود کنند. به عبارتی در مرحله اول ارز با تخصیص نادرست و رانت ارزی به خودی‌ها و نااهلان و ما می دیدیم که در بازار آزاد دلار فروخته می‌شد. لیست افرادی که ارز گرفته‌اند مشخص است. آن‌ها باید پاسخگو باشند که ارز گرفته شده را کجا خرج کردند. این کار با قوه قضائیه و در حال انجام است اما کاری که دولت باید برای مقابله با فساد بکند نظارت بر عرضه‌ی کالاهای وارد شده است. واردکننده‌ها اقدام به احتکار کالا کردند که باعث عدم ثبات در بازار و ایجاد گرانی شد. از طرفی دولت می‌تواند تنظیم بازار انجام دهد و بر عرضه و تقاضا نظارت کند. جزیره‌ای عمل کردن دستگاه‌ها هم مزید بر علت می‌شود. در وهله بعد مسئله صادرات پنهان داریم. وارد کننده کالا را از طریق مبادی قاچاق وارد می‌کند و صادرات به صورت پنهان اتفاق می‌افتد.

بخش سوم

انتخابات آمریکا و مذاکرات چه تاثیری بر روی قیمت ارز خواهد داشت؟

دکترمریم ابراهیمی

برخی اتفاقات در بازار بر اثر انتظارات مردم شکل می‌گیرد و تقاضا ناگهان کم یا زیاد خواهد شد. آن چیزی که باعث توازن این انتظارات می‌شود، ثبات اقتصادی است که ما را به سمت رشد و توسعه اقتصادی خواهد برد که متأسفانه در کشور ما بسیار کمرنگ می‌باشد. از طرفی رویکرد دولت جدید باید به سمتی باشد که مبنای تصمیم سیاسی نباشد و اقتصادی باشد و راهکارها بلندمدت باشند.

دکتر حجت‌الله فرزانی

این درست نیست که ما مناسبات اقتصادی خود را منوط کنیم به امور خارجی درست نیست. الان ما شاهد بلاتکلیفی اقتصادی هستیم. ما توجهی به بخش تولید نداشتیم در حالی که علاج مشکلات آنجاست. راه افتادن بخش تولید یعنی کمک به داشتن ثبات اقتصادی. دولت جدید اگر توجهش به درون اقتصاد، دولت و اقتصاد مقاومتی باشد، ما می‌توانیم شاهد ثبات اقتصادی باشیم. اما مشکلات ساختاری اقتصاد ما برنامه‌های بلندمدت می‌طلبد و در هشت سال خلاصه نمی شود. باید سیاسی‌کاری را کنار بگذاریم.

بخش چهارم

آیا درست است ارزی که به سختی به دست می‌آوریم برای خرید زمین در ترکیه در اختیار مردم و بخصوص آقازاده‌ها قرار گیرد؟

دکتر مریم ابراهیمی

باتوجه به تورم بالایی که داریم مردم دنبال حفظ ارزش پول هستند و این مسئله باعث خروج ارز از ایران می‌شود. راهکار ایجاد جذابیت در داخل کشور است. باید با افزایش تولید داخلی کاهش تورم را در دستور کار قرار دهیم. از طرفی توزیع کالا هم دچار مشکل است و قابلیت حل شدن دارد.

دکتر حجت‌الله فرزانی

وقتی شرایط بی‌ثباتی اقتصادی و هیجانات ارزی اتفاق میفتد و ارز به نادرستی تخصیص می‌گیرد. فرصت برای سوءاستفاده ویژه‌خواران فراهم می‌شود. از طرفی حفظ ارزش سرمایه هم برای مردم مهم است. پس در ابتدای هیجانات ارزی حفظ سرمایه خودش را در ارز و طلا و بعد در بازار خودرو و مسکن و بعد هم در خارج کشور نشان می‌دهد. ثبات اقتصادی راه حفظ بازارهای مالی داخلی است. خروج سرمایه از کشور پشتوانه پول ملی را تضعیف می‌کند.

بخش پنجم

FATF چه تاثیری بر ارز خواهد گذاشت؟

دکتر مریم ابراهیمی

تمام عوامل خارجی اثرگذار است. منتها در شرایط فعلی اول باید دنبال راه‌حل‌های داخلی باشیم. کالاهای مصرفی ما تبدیل به کالاهای سرمایه‌گذاری شده است. در حالی که سرمایه ما باید در بازار تولید سرازیر شود.

دکتر حجت‌الله فرزانی

این که بگوییم شرکت در FATF صرفا منجر به شناخت مبادی مالی ما می‌شود. سوال این است که کشورهای دیگری که عضو این پیمان هستند و حمایت از تروریسم دارند چرا برای آن‌ها مشکلی پیش نیامده است؟ اما منکر تاثیر بخش سیاسی آن بر بخش اقتصادی شویم.

داستان پرغصه ارز

با عنایت به راهکارهای ارائه شده کارشناسان، قطعی‌ترین راه توجه به توان داخل و مشخصا تولید داخل است. شاهد این ادعا تجربه روسیه است که ساختار اقتصادی مشابهی با ایران دارد. روسیه در سال ۲۰۱۴ که بهای نفت کاهش پیدا کرد و به دلیل بحران اوکراین دچار تحریم شد با کاهش صادرات روبرو شد و در نتیجه‌ی کمبود ارز ارزش پول ملی‌اش هم ناگهان سقوط کرد. در این زمان رئیس بانک مرکزی روسیه عرضه‌ی ارز را افزایش داد تا پاسخگوی نیاز بازار باشد. اما این سیاست مقطعی نتوانست راه حل درستی باشد. در قدم بعدی نرخ بهره را تا ۳برابر افزایش داد و در قدم آخر نرخ ارز را شناورسازی کرد. اما برای تولید داخل به طور مثال تعرفه واردات را افزایش داد تا از خروج ارز جلوگیری کند. زمانی که کشوری وابستگی داشته باشد به ویژه در کالاهای اساسی و استراتژیک، اقتصاد تک محصولی و یا نفتی داشته باشد با یک شوک مثل کاهش ارزش نفت درآمد ارزی و ارزش پول ملی آن کاهش یافته و قیمت همه‌ی کالاها را تحت تاثیر قرار می دهد. پس قیمت ارز نقش حیاتی و اساسی در امنیت اقتصادی کشور دارد. برای حفظ ارزش پول ملی باید ارز به اندازه کافی وجود داشته باشد. یعنی باید درآمد ارزی نسبتا مطمئن و پایداری وجود داشته باشد که این جز با تولید داخل و صادرات کالای داخلی محقق نخواهد شد.کشور ما ظرفیت بالایی برای تولید دارد چون دارای تمام نهاده‌های تولید از جمله نیروی کار جوان و آماده کار، سرمایه و منابع طبیعی است. هم‌چنین در میان همسایه‌ها و کشورهای منطقه و به ویژه سوریه بعد از جنگ و محبوبیت ایرانی‌ها در آن بازار بکری برای صادرات داریم. پس همه چیز مهیاست و فقط نیاز به برنامه و مجری دارد. بهتر است از تجربه تکیه برتوان داخل ایران هم به بنزین اشاره کنیم که قبل از تحریم‌ها در آن خودکفا شدیم و امروز به صادر کننده اول منطقه تبدیل شدیم.

البته پیمان‌های پولی و بانکی هم برای تمرکززدایی از دلار گزینه مناسبی است. به ویژه در زمان تحریم که چین و روسیه هم شاهد این ادعا هستند.

و در آخر با توجه به اینکه بانک مرکزی ایران برخلاف دنیا مستقل نیست و توسط دولت اداره می‌شود، زیرا رئیس آن توسط شخص رئیس جمهور عزل و نصب می‌شود و تمام تصمیم‌گیری پولی و بانکی درباره ارز توسط رئیس بانک صورت می‌گیرد. پس برای اینکه تصمیم‌گیری درباره این کالای اساسی سیاسی و شخصی نباشد رئیس جمهور باید فردی دلسوز، ضد فساد، پاک دست و پایبند به اصول و قوانین و دارای برنامه عملی و مدون باشد تا شخص اصلحی را به ریاست بانک مرکزی انتخاب کند.

مینا فقیهی

تحلیل

صعود ارز، رکود اقتصاد داخلی

روند صعودی قیمت دلار از بهار سال ۱۳۹۷ شروع شد که در آن زمان قیمت دلار به ۵۸۰۰ تومان رسید و تا اوایل مهر ماه همان سال به ۱۹ هزار تومان هم رسید در اثر این بحران ارزش ریال ایران در برابر سایر ارزهای جهانی به پایین ترین سطح در تاریخ رسید.

مهم‌ترین اثر افزایش قیمت ارز در زندگی مردم عادی افزایش تورم است. بالارفتن نرخ ارز قیمت کالاهای وارداتی را بالا می‌برد؛ از گندم و برنج گرفته تا گوشی موبایل و خودرو. افزایش قیمت ارز در کوتاه مدت می‌تواند به دلیل افزایش انتظارات قیمتی سطح قیمت‌ها را افزایش دهد و هم‌چنین اثر ناچیزی بر اشتغال و بیکاری بگذارد. ولی در بلند مدت امکان اثرگذاری بالای قیمت ارز بر تولید را می‌توان از طریق جانشینی نهاده‌های تولید به چشم دید. با توجه به نقش موثر قیمت ارز در عملکرد اقتصاد از جمله تعدیل و تنظیم تراز تجاری و تراز پرداخت‌ها، حفظ قدرت رقابتی اقتصاد کشور، توان تولیدی، اشتغال و بیکاری، می‌توان گفت که هریک از این تغییرات اثری متفاوت بر سبد مصرفی خانوار خواهد گذاشت و در نتیجه رفاه خانوار کاهش می‌یابد.

افزایش قیمت ارز علاوه بر تاثیر مستقیم در هزینه واردات، قیمت کالاهای واسطه‌ای را هم زیاد می‌کند. کالاهای واسطه‌ای مواد و کالاهایی هستند که کارخانجات برای تولید از آن استفاده می‌کنند. بنابراین هزینه تولید بالا می رود و بعضی تولیدات داخلی قدرت رقابتشان را از دست می‌دهند، به این ترتیب افزایش تورم حاصل از بالارفتن قیمت ارز، می‌تواند به رکود منجر شود.

اثر منفی دیگر نوسان‌های بزرگ قیمت ارز این است که به دلیل عدم قابلیت پیش‌بینی اقتصاد سرمایه‌گذاران خارجی دلسرد می‌شوند، عمده سرمایه خارجی وقتی در ایران به کار گرفته می‌شود باید به ریال تبدیل شود و موقع خروج هم این ریال‌ها باید دوباره به ارز تبدیل شوند؛ بنابراین کاهش شدید نرخ ارز، سود سرمایه خارجی را از بین می‌برد و سرمایه‌گذار ممکن است در طول یک سال ضرر هم بکند. تجربه نشان داده با وجود آن که به کالاهای اساسی از یارانه دولتی تعلق می‌گیرد، در میان مدت و با افزایش نرخ تورم، دولت هم قیمت کالاهای اساسی را بالا می‌برد.

البته افزایش نرخ ارز، صادرات را تشویق می‌کند چون قیمت تمام‌ه کالاو خدمات تولیدی در ایران به نسبت بازار هدف کمتر شده و قدرت رقابت کالای صادراتی افزایش می‌یابد. بعضی کشورهای صادرکننده مثل چین در بعضی مقاطع حتی ارزش پول خود را در برابر ارزهای خارجی به طور مصنوعی پایین می‌آورند تا صادرات را تشویق کنند. اما بر کسی پوشیده نیست که افزایش قیمت ارز بر بازار تاثیر منفی گذاشته و موجب افزایش قیمت‌ها و کم شدن قدرت خرید خانوار شده است.

فاطمه هراتی نیک